



ابعاد مختلف حکمت مشاء، اشراق و حکمت متعالیه به طور کامل شکافته نشده‌اند

محمد فنایی اشکوری با بیان اینکه گستردگی علوم در گذشته به اندازه عصر حاضر نبود، گفت: دوره نظام سازی به سر آمده و این اتفاقی است که در غرب نیز به وقوع پیوسته است. دلیل این موضوع گسترده شدن شاخه های علوم و تخصصی شدن آنهاست.

محمد فنایی اشکوری با بیان اینکه گستردگی علوم در گذشته به اندازه عصر حاضر نبود، گفت: دوره نظام سازی به سر آمده و این اتفاقی است که در غرب نیز به وقوع پیوسته است. دلیل این موضوع گسترده شدن شاخه های علوم و تخصصی شدن آنهاست. عضو هیأت علمی گروه فلسفه موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) درباره عدم نظام سازی توسط متفکران امروز نسبت به اندیشمندان گذشته به خبرنگار مهر گفت: عبور از این قله ها کار آسانی نیست. نظام سازی که ابن سینا، سهروردی و ملاصدرا به انجام رساندند از عهده هر اندیشمندی بر نمی آید. باید قرن ها بگذرد تا فیلسوفی مثل اینها پیدا شود. ما هنوز نظام های فلسفی پیشین را درست نشناخته و هنوز نتوانسته ایم آنها را به درستی تجزیه و تحلیل کنیم. به ضرس قاطع می توان گفت ابعاد مختلف حکمت مشاء، اشراق و حکمت متعالیه همچنان به طور کامل شکافته نشده اند. باید در شناختن میراث و حکمت پیشینیان سرمایه گذاری کنیم این در حالی است که از تلاش برای برداشتن قدم های نو نباید غافل بمانیم.

وی افزود: با همه این توضیحات باید گفت دوره نظام سازی به سر آمده و این موضوع در غرب نیز صدق می کند. بعد از هگل و کانت، فیلسوفی که نظام ساز باشد، نداریم. دلیل این موضوع در گسترده شدن شاخه های فلسفه و تخصصی شدن آنها و تکرر شعبه های علوم است. دیگر کمتر کسی پیدا می شود که به خود جرأت بدهد درباره کل هستی نظر بدهد. در گذشته ابن سینا فیزیک، شیمی، گیاه شناسی، زیست شناسی، منطق، نجوم، ریاضی و در کنار همه این ها طب و پزشکی می دانست، این در گذشته ممکن بود چراکه علوم تا این حد گسترده نبودند، اما امروز یک پزشک نمی تواند فراتر از حوزه تخصصی خود پا بگذارد و حوزه دیگری را تجربه کند. به هر حال نفس این کارها دشوار است و نباید انتظار بروز و ظهور فیلسوف نظام ساز در هر دوره تاریخی را داشته باشیم.

عضو هیأت علمی موسسه آموزشی امام خمینی (ره) تصریح کرد: ما برای پیشرفت ناچاریم به سوی تخصص پیش برویم، حتی در علم فقه نیز امروز فقها بحث تخصص را مطرح می کنند، اما به هر حال یک فقیه نمی تواند به همه ابعاد فقه احاطه و در آنها تخصص داشته باشد، ولی به هر حال برای اینکه پاسخگوی نیازهای امروز باشیم باید این علم را به چند قسم تقسیم کنیم. در فلسفه نیز به همین شکل است. فلسفه امروز شاخه های بسیاری پیدا کرده است. انواع مختلف فلسفه های مضاف بروز پیدا کرده است که هر کدام می تواند تمام عمر یک نفر را صرف یادگیری خود کند.

وی افزود: بنابراین در کنار تخصص باید یک اطلاعات جامع نسبت به آن علم وجود داشته باشد. هر شاخه ای که فیلسوف برای یادگیری آن انتخاب می کند باید یک دانش جامع نسبت به فلسفه داشته باشد. کسی که سراغ هر یک از شاخه های فلسفه می رود طبیعی است که با معرفت شناسی و هستی شناسی مابعد الطبیعه عمیقاً آشنا باشد، به هر حال مباحث دیگر فلسفه با این دو رشته ارتباط تنگاتنگ دارند، همان طور که یک فقیه نیز یک اطلاع جامع و کلی نسبت به کلیت فقه دارد. به عبارت دیگر برای رسیدن به تخصص به یک نوع جامعیت در همان رشته نیاز است.